irannewspaper.ir

دوشنبه • ۱۲ مرداد ۱۴۰۵ • سال سی‌و دوم • شماره ۹۰۹۰
• اذان ظهر ۱۲/۱۱ • اذان مغرب ۱۹/۲۷ • نیمه شب شرعی ۲۳/۲۳ • اذان صبح فردا ۰۳/۳۸ • طلوع آفتاب فردا ۰۵/۱۴

«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

ایران

• صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی

• مدیر مسئول:
صادق حسین جابری انصاری

• سردبیر:
هادی خسروشاهین

مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران
• رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جابری انصاری
• مدیرعامل: علی متقیان
• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ • نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
• پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵
• نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه‌های همشهری و مؤسسه جام‌جم
• سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی- مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳

سخن روز

امام علی (ع):
سلامتی دین و دنیا در مدارا کردن با مردم است.

غررالحکم و دررالکلم، ح ۵۶۱۰

نقل قول

می‌خواستم هرجای دنیا پرچم ایران را بالا ببرم

برای یک مسابقه در روسیه دعوت شدیم. پیش از این مسابقه در ایران یک ماشین را چپ کرده بودم که آن ماشین دو دور در هوا چرخید. این کار را تنها ۵ نفر در دنیا انجام داده بودند؛ هنگامی که به آن مسابقه دعوت شدم، پرچم ایران را روی ماشینم حکاکی کردم. مچ‌بندی با نماد پرچم ایران را هم در دست داشتم. ما در آن مسابقه اول شدیم و همه می‌آمدند که با ماشین ما عکس بگیرند.
یادم است در آن زمان اخبار روسیه به طور مرتب گزارش پیروزی ما را پخش می‌کرد که بسیار برایم خوشایند بود. هر جای دنیا که رفتم می‌خواستم پرچم ایران را با غرور بالا ببرم.

بخشی از گفت‌وگوی زنده‌یاد ارشا اقدسی
با خبرگزاری میزان به بهانه پنجمین سالمرگش

«۴۰ روز»؛ تازه‌ترین اثر «محسن چاوشی» برای اربعین

محسن چاوشی همزمان با ایام اربعین، قطعه‌ای تازه با نام «۴۰ روز» منتشر کرد. این اثر با شعر امید روزبه، آهنگسازی چاوشی و تنظیم رضا فوادیان ساخته شده و مجید مظاهری نوازندگی کمانچه آن را برعهده داشته است. میکس و مسترینگ توسط مهدی کریمی، طراحی کاور توسط حسن روح‌الامین و کارگردانی موزیک‌ویدیو توسط محمود علامی انجام شده است. چاوشی در توضیح این اثر نوشت که اربعین، تمرین همیشگی بازگشت به سوی امام حسین (ع) است؛ بازگشتی بی‌پایان و بی‌بازگشت. /ایسنا

«شهاب حسینی» و «بی‌دار» در مرحله تدوین

فیلم «بی‌دار» به کارگردانی حسین دوماری و با بازی شهاب حسینی، این روزها در مرحله تدوین است. این پروژه پس از فیلمبرداری بدون سکوت خبری، قرار است در جشنواره‌های مهم جهانی حضور یابد و سپس در سینماهای کشور اکران شود. «بی‌دار» اولین همکاری حسینی با محمدرضا فروتن است و آناهیتا افشار، ناصر هاشمی و بهناز جعفری نیز در آن بازی کرده‌اند. حسینی در نقشی متفاوت از آثار پیشین خود ظاهر شده است. /صبا

اجرای ویژه «مجید انتظامی» در برج میلاد

مجید انتظامی ۵ شهریور در برج میلاد روی صحنه می‌رود. این اجرا که در قالب فیلم-کنسرت برگزار می‌شود، شامل برگزیده‌ای از شاخص‌ترین موسیقی متن‌های او است و به مناسبت روز ملی پزشک و داروساز و با همراهی ارکستر خصوصی «ایستگاه» اجرا خواهد شد.
انتظامی، در کارنامه خودآثاری چون روز واقعه، سرزمین خورشید، بوی پیراهن یوسف، بازمانده و از کرخه تا راین را دارد. جزئیات بیشتر توسط سازمان نظام پزشکی اعلام خواهد شد. /باشگاه خبرنگاران

شایان شعبان در گفت‌وگو با «ایران» از نمایشگاه نوسقاخانه؛ تحقق یک رویا گفت

امتداد یک رویای ملی در هنر ایران

گفت‌وگو

سعیده احسانی‌راد
گروه فرهنگی

نمایشگاه «نوسقاخانه؛ تحقق یک رویا» ادامه بر نمایشگاه «سقاخانه؛ تولد یک رویا» که دو سال پیش با تمرکز بر هنرمندان بنیانگذار این جریان برگزار شده بود در گالری جاوید برگزار شد. در نمایشگاه آثار احسان ابراهیم‌نژاد، صادق ادهم، رضا بانگیز، صادق تیرافکن، مهرداد دفتری، نسیم ذوالفقار، نازی رضازاده، علیرضا روح‌الامینی، جعفرروحبخش، بهروز زیندشتی، یزدان سعدی، سیاوش سهرابی‌نیا، مسعود سهیلی‌نژاد، فرشید شفیعی، رضا عابدینی، قدرت‌الله عاقلی، لاله قائدامینی، امیر کبیرنژاد، پرویز کلانتری، علی مشهدی‌الاصل و دانیال ملانوروزی هنرمندانی هستند که در این نمایشگاه آثارشان به نمایش درآمد. شایان شعبان گردآورنده این نمایشگاه در گفت‌وگو با «ایران» درباره این نمایشگاه و وضعیت جریان هنر سقاخانه مطالبی را بیان کرد و به سؤالات اینطور پاسخ داد.

عنوان نمایشگاه «نوسقاخانه» است. آیا این «نو» بودن صرفاً به معنای گذشت زمان و حضور نسل‌های جدید است یا به معنای بازخوانی و دگرگونی ماهوی در مؤلفه‌های بصری این جنبش است؟

نمایشگاه اولِ «سقاخانه: تولد یک رویا» بود؛ مبنی بر اینکه اگر تاریخ صد سال اخیر کشور را مطالعه کنید بالاخص در حوزه هنرهای تجسمی زمانی که حکومت قاجار از بین می‌رود و پهلوی اول سر کار می‌آید روشنفکران، هنرمندان، جامعه ایرانی و حتی نظام حاکم در تلاش بودند یک جنبش فرهنگی و هنری ملی را پایه‌گذاری کنند تا بعد از سال‌ها، هنرهای تجسمی به یک مکتب برسد. در این راستا، تلاش‌های مختلفی صورت گرفت که هیچ‌کدام به نتیجه مورد نظر منتج نشد؛ شاید اولین تلاش‌ها مربوط به مدرسه صنایع قدیمه در زمان پهلوی اول باشد که آن‌طور که باید، به‌صورت مکتب شکل نگرفت.
در جریان هنر معاصر و هنر مدرن ایران، «انجمن خروس جنگی» پا گرفت، اما به دلیل نگاه‌های این انجمن که چپ بود و به دلیل عقاید سیاسی مختلفی که داشتند، مورد پسند حکومت واقع نشد. تا زمانی که به هنرمندان نسل بعد در اواخر دهه سی و چهل رسیدیم؛ در بینال سوم ایران، کریم امامی آثار آنها را دید و عنوان «سقاخانه» را به آن داد. آثاری که از یک آبشخور فرهنگی و هنری استفاده می‌کردند؛ هنرمندانی چون فرامرز پیل‌آرام، حسین زنده‌رودی، منصور قندریز و بهزاد گلپایگانی که برای اولین‌بار در بینال سوم تهران این عنوان به آنها اطلاق شد و بعدها هنرمندان دیگری چون پرویز تناولی، صادق تبریزی، ناصر اویسی و مسعود عربشاهی به این جرگه پیوستند.
درباره آن «تولد رویا» که گفتم، رویای جمعی در حافظه تاریخی ما این بود که بعد از سال‌ها یک مکتب ملی داشته باشیم. سقاخانه این اقبال را داشت که جدا از قشر روشنفکر، برای بطن جامعه هم قابل فهم بود و حکومت هم از آن حمایت کرد. تا دهه چهل، هنرمندان بلافاصله از سقاخانه گذر کردند، اما نسلی شکل گرفت که ادامه‌دهنده همان نسل هنرمندان سقاخانه بود؛ هنرمندانی که هم‌زمان با آنها کار می‌کردند، مثل رضا بانگیز، پرویز کلانتری و جعفر روحبخش، و نسل‌های بعدی که از المان‌های سنتی هنرمندان سقاخانه استفاده کردند مانند صادق تیرافکن. از هنرمندان داخلی نیز قدرت‌الله عاقلی و یزدان سعدی در این فضا کار کردند. تحقق یک رویا در نمایشگاه دوم به این دلیل است که این رویداد به حقیقت پیوست تا جریان هنر ایران معاصر، جریانی زنده و پویا تلقی شود تا بیان کند این جریان فقط به دهه چهل ختم نشد. حتی هنرمندان جدید ایرانی در داخل و خارج از کشور مانند علی مشهدی‌اصل که ساکن ایتالیاست، فرشاد شفیعی و دانیال ملانوروزی در هنر سقاخانه از یک آبشخور استفاده می‌کنند. همه اینها در کنار هم نشان می‌دهد که هنر معاصر ایران، جریانی زنده، پویا و ادامه‌دار است.

در بیانیه آمده است نمایشگاه به هنرمندانی پرداخته که «در سال‌های بعد در نسبت با سقاخانه بازشناخته شدند». معیار شما برای انتخاب این هنرمندان چه بوده است؟ مرز میان «تأثیرپذیری آگاهانه» و «همسویی ناخودآگاه» با این جنبش را چگونه در آثار انتخاب شده ترسیم کرده‌اید؟

چه در جریان هنرمندان سقاخانه مثل فرامرز پیل‌آرام، حسین زنده‌رودی، پرویز تناولی، منصور قندریز و عربشاهی و چه هنرمندان بعدی که ادامه‌دهنده این راه بودند، هیچ‌کدام زیر یک پرچم و مانیفست قرار نگرفتند که بخواهند این جریان را تبدیل به مکتب و مؤلفه‌ها را مشخص کنند. تنها کسی که درباره جنبش سقاخانه نمایشگاه کاملی گذاشت، کریم امامی در سال ۱۳۵۶ در موزه هنرهای معاصر بود، اما این هنرمندان هیچ‌وقت دور هم جمع نشدند تا مانیفستی ارائه دهند و تحت لوای آن کار کنند. به خاطر همین، هنرمندان سقاخانه را به سه دسته تقسیم می‌کنم: دسته‌ای مانند فرامرز پیل‌آرام، حسین زنده‌رودی و پرویز تناولی که از لحاظ فضای کاری و نگاه، به هم نزدیک‌ترند و انتزاعی‌تر هستند و پایه‌های اصلی جریان سقاخانه محسوب می‌شوند. دسته‌ای مانند صادق تبریزی، ناصر اویسی و ژاله طباطبایی که نگاهشان بسیار فیگوراتیوتر است و مرزی بین سقاخانه و قهوه‌خانه دارند، و دسته‌ای مانند منصور قندریز و مسعود عربشاهی که در دسته دیگری قرار می‌گیرند.

> جریان هنر سقاخانه یک جنبش پویاست و طی ۶۰ سال گذشته، هنرمندان مختلفی از این مسیر ارتزاق کرده و آثار بدیعی را خلق کرده‌اند

آن‌ها الزاماً از المان‌های شیعی استفاده نمی‌کردند و مسعود عربشاهی خودش را جزو مکتب سقاخانه‌ای نمی‌داند، چون نگاهش به المان‌های سنتی پیش از اسلام است؛ اما چون کریم امامی ایشان را به عنوان نفر اول اسم بردند، نمایشگاه را بر حسب گفته‌های ایشان پیش بردیم، اما در ارتباط با هنرمندان نسل جدید، آنها هم زیر یک مانیفست قرار نگرفتند؛ هرکدام مسیرهای زیستی خودشان را داشتند که به‌صورت خودآگاه یا ناخودآگاه تحت این جریان فکری قرار گرفتند و از آن الگوها برای خلق آثار جدیدشان استفاده کردند. باید از خود هنرمندان پرسید که چقدر نسبت به این موضوع آگاهانه یا ناآگاهانه برخورد می‌کنند، اما چون همه از یک آبشخور استفاده کردند، در دهه‌های مختلف و بعد از انقلاب تا به امروز، به‌عنوان نمایشگاه‌گردان این تشخیص را دادم که می‌توانند در این جریان قرار گیرند، چراکه هرکدام به نوعی ادامه‌دهنده این مسیر هستند و از این عنوان استفاده کردم. تنها کسی که آگاهانه‌تر از عنوان «نوسقاخانه» استفاده کرد، یعقوب سعدی بود که در تمام نمایشگاه‌های انفرادی‌اش این عنوان را در کارهای خودش استفاده کرده است.

نمایشگاه «تولد یک رویا» دو سال پیش برگزار شد. چه خلأهای پژوهشی یا هنری در آن نمایشگاه وجود داشت که شما را مجاب کرد «تحقق یک رویا» را به عنوان گام بعدی بردارید؟

کلاً در حوزه پژوهش هنر متأسفانه خلأهای زیادی وجود دارد. اگر سقاخانه را به عنوان مهم‌ترین جریان هنر معاصر در نظر بگیریم، از جهات مختلف به آن پرداخته شده است، اما یک کتاب جامع درباره جریان سقاخانه وجود ندارد و این موضوع تنها در چند مقاله در مجلات بررسی شده است. مهم‌ترین انگیزه برای برپایی این نمایشگاه این بود که طی این سال‌ها، خوانش‌های متفاوت و گاه اشتباهی نسبت به سقاخانه رخ داده است که من سعی کردم در این نمایشگاه این کمبودها را جبران کنم؛ هم به لحاظ نمایش آثار و هم از نظر پژوهشی. برای مثال، طی سال‌هایی که سقاخانه شکل گرفته، تنها ۴ تا ۵ نمایشگاه تحت عنوان سقاخانه برگزار شده که عمدتاً از گنجینه موزه‌ها بوده یا نمایشگاهی در دبی. ایراد این نمایشگاه‌ها که در موزه هنرهای معاصر قبل و بعد از انقلاب یا در سعدآباد و نیاوران برگزار شد، این بود که دوره سقاخانه‌ای این هنرمندان ارائه نشده بود یا بعضاً از هنرمندانی مثل بهزاد گلپایگانی، چون کاری از آن دوره وجود نداشت، اثری هم ارائه نشد. در همین راستا تلاش کردم روایت تاریخی درست‌تری بیان شود. نمایشگاه «تولد یک رویا» به همه آن نگاه‌ها به جنبش سقاخانه پرداخت و آثار هنرمندان این جنبش را به نمایش گذاشت و شاید کامل‌ترین نمایشگاهی بود که تا به حال درباره این جریان برگزار شد.

چون فقدان پژوهشی در ارتباط با سقاخانه وجود داشت، تمام سعیم را کردم تا نمایشگاه حتماً با یک کاتالوگ پژوهشی و مفصل، در شأن جریان سقاخانه ارائه شود. نمایشگاه دوم نشانه ضعف نمایشگاه اول نیست، بلکه نشان‌دهنده امتداد آن جریان است؛ خواستیم عنوان کنیم جریان سقاخانه، جریانی پویا و زنده در هنر معاصر است. بعضی هنرمندان غیرایرانی هم بودند که از المان‌های جریان سقاخانه در هنرشان بهره بردند و به عنوان هنرمندان «نوسنت‌گرا» در ایران شناخته می‌شوند، اما به آن‌هایی که المان‌های شیعی در اثرشان بیشتر است، «هنر سقاخانه» اطلاق می‌کنیم. جریان هنر سقاخانه یک جنبش پویاست و طی ۶۰ سال گذشته، هنرمندان مختلفی از این مسیر ارتزاق کرده و آثار بدیعی را خلق کرده‌اند.

درباره اهمیت دوبله در توفیق انیمیشن‌های سینمایی به بهانه اکران «نبرد با خرچنگ»

صداهایی که «قهرمان» می‌سازند

یادداشت

مهرداد پارسایی
منتقد سینما

صنعت انیمیشن‌سازی ایران طی دو دهه گذشته سیر صعودی معناداری را به نام خود ثبت کرده که اصلی‌ترین بروز و نمود آن را می‌توان در توفیق نمایندگان این جریان در فتح گیشه بویژه طی یک دهه اخیر دانست. حالا دیگر ورود هر انیمیشن سینمایی به چرخه اکران، نه فقط از منظر پیشنهادی تازه برای گروه سنی کودک و نوجوان و مهم‌تر از آن خانواده‌ها حائز اهمیت است که امیدی تازه برای سینماداران هم محسوب می‌شود. انیمیشن‌های سینمایی حالا به آلترناتیوی برای کمدی‌ها در امید به فتح گیشه تبدیل شده‌اند و دلیل اصلی آن هم اعتماد مخاطب هدف، به این تولیدات است.
فارغ از جنبه‌های مختلف فنی و هنری که منجر به غنای فرم و محتوای انیمیشن‌های سینمایی طی این سال‌ها شده، یکی از مهم‌ترین پشتوانه‌های این آثار، بهره‌گیری درست از ظرفیت صداپیشه‌هایی است که تأثیری مستقیم بر جان‌بخشی به قهرمانان و تبدیل آنها به بخشی از خاطرات جمعی مخاطبان هدف، داشته‌اند. شمار صداهای ماندگار در تاریخ دوبله ایران البته فراتر از دنیای کودکانه انیمیشن‌های سینمایی است اما در همین سال‌های اخیر نمونه‌های موفقی از حضور صداهای خاطره‌ساز در پروژه‌های انیمیشنی به ثبت رسیده است که در این گزارش مروری کوتاه بر بخشی از آنها داشته‌ایم.

بچه زرنگ
شیطنت و طنازی هومن

«بچه زرنگ» یکی از نمونه‌های موفق صنعت انیمیشن ایران در گیشه به شمار می‌رود که توانست رکوردهای مرتبط با فروش فیلم‌های کودکانه سینمای ایران را در مقطع اکران عمومی جابه‌جا کند؛ انیمیشنی به کارگردانی بهنود نکویی و محمدجواد جنتی که یکی از اصلی‌ترین برگ‌برنده‌ها، حضور هومن حاجی‌عبداللهی در ترکیب صداپیشه‌های اصلی بود. حاجی‌عبداللهی که پس از سال‌ها خاطره‌سازی با عروسک پنگول در قاب تلویزیون به‌واسطه حضور در سریال «پایتخت» به چهره‌ای آشنا برای مخاطبان سیما هم تبدیل شد، در «بچه زرنگ» صداپیشه کاراکتر ببری بود که استفاده از لهجه شمالی و نیز بده‌بستان‌های کلامی‌اش با شخصیت اصلی، به‌شدت به جذابیت‌های انیمیشن افزود و مورد توجه مخاطبان هم قرار گرفت. حاجی‌عبداللهی البته از نسل صداپیشه‌های خاطره‌ساز در انیمیشن‌های خارجی هم به شمار می‌رود و تجربه حضورش در نمونه‌های داخلی را می‌توان در ادامه توفیق‌های قبلی‌اش در این عرصه تحلیل کرد.

شنگول و منگول
معجزه هوتن شکیبا

کیانوش دالوند و فرزاد دالوند از جوانان مستعدی به شمار می‌روند که در زمینه توسعه ظرفیت‌های انیمیشن‌سازی در سینمای ایران، پیشگام بوده‌اند. برادران دالوند در یکی از موفق‌ترین تجربه‌های مشترک خود «شنگول و منگول» را در سال ۱۴۰۰ به تولید رساندند که پس از چند حضور موفق بین‌المللی بالاخره در سال ۱۴۰۳ به اکران عمومی در ایران درآمد و قریب به ۱۸ میلیارد تومان در گیشه فروخت. ترکیب صداپیشه‌های این انیمیشن، چهره‌های شاخصی همچون محمدرضا علیمردانی، شوکت حجت، آشا محرابی، حامد آهنگی و هومن حاجی‌عبداللهی را در دل خود داشت اما شاخص‌ترین چهره در این ترکیب، هوتن شکیبا بود؛ هنرمندی که هر چند از سال‌های قبل در صحنه تئاتر و عرصه دوبله خوش درخشیده بود اما با ورود به میدان بازیگری در تلویزیون به شهرت رسید و توانمندی ویژه‌اش در صداسازی او را به یکی از نوادر دوبله ایران تبدیل کرد. او که پیش‌تر با صداپیشگی عروسک «بچه» در مجموعه «مهمونی» همراهی جذابی با ایرج طهماسب را تجربه کرده بود، در انیمیشن «شنگول و منگول» جای کاراکتر جذاب «تک‌شاخ» گویندگی کرده است که به وضوح می‌توان ردپای خلاقیت‌ها و شیطنت‌های خاص او را در این تجربه رصد کرد.

پسر دلفینی
شیرینی نادر و گوهر

در میان انیمیشن‌های سینمایی موفق یک دهه اخیر، «پسر دلفینی» موقعیتی خاص دارد؛ چرا که پیش از ورود به چرخه رسمی اکران در داخل کشور، رکورد ویژه‌ای را در گیشه کشور روسیه به ثبت رساند و تبدیل به پدیده‌ای در اکران خارج از کشور شد. این انیمیشن که بعدتر با سرمایه‌گذاری ویژه یکی از کمپانی‌های کشور ترکیه به قسمت دوم هم رسید، در زمینه به خدمت گرفتن صداپیشه‌های مطرح، ترجیح داد سراغ چهره‌های محبوب دنیای بازیگری برود و این‌گونه حضور موفق نادر سلیمانی و گوهر خیراندیش به یکی از برگ‌برنده‌های این اثر در ارتباط با مخاطب ایرانی تبدیل شد. محمد خیراندیش در مقام کارگردان، برای شخصیت‌های اصلی روایت خود، روی صداهای آشنا و در عین حال خاطره‌سازی سرمایه‌گذاری کرد که به‌خوبی در مرحله ارتباط با مخاطب جواب داد و به امضایی خاص پای شخصیت‌پردازی این اثر تبدیل شد.

یوز
کاربلدی به نام حامد عزیزی

انیمیشن «یوز» که حالا عنوان پرفروش‌ترین فیلم پویانمایی تاریخ سینمای ایران را به نام خود ثبت کرده است، بی‌شک تجربه‌ای شاخص برای قدرتنمایی انیمیشن‌های سینمایی در گیشه به شمار می‌رود؛ اثری که رضا ارژنگی آن را کارگردانی کرد و توانست یکی از بامزه‌ترین و به‌یادماندنی‌ترین شخصیت‌های کارتونی را به حافظه جمعی مخاطبان سینمای ایران معرفی کند. شخصیت «یوز» اما سوای از جذابیت بصری، لحن و بیانی فراموش‌نشدنی هم داشت که حاصل هنرنمایی حامد عزیزی بود. عزیزی در مقام مدیر دوبله این انیمیشن، از حضور پیشکسوتانی همچون نصرالله مدقالچی و ناصر ممدوح در تیم صداپیشگان این اثر استفاده کرد اما نمی‌توان کتمان کرد که هنرنمایی خودش در جان‌بخشی به شخصیتی جذاب، شیرین و پر از شیطنت‌های دوست‌داشتنی، فراموش‌نشدنی است.

برش

نبرد با خرچنگ/ نوستالژی تورج

اگر در انیمیشن‌های موفق سال‌های اخیر بخش عمده‌ای از جذابیت به دوش استعدادهای جوان‌تر بوده، اما «نبرد با خرچنگ» که این روزها در حال اکران در سینماهای کشور است، سراغ یکی از پیشکسوتان خاطره‌ساز رفته است. تورج نصر، از نمایندگان نسل طلایی دوبله در ایران محسوب می‌شود که پس از دهه‌ها خاطره‌سازی، همچنان حضورش می‌تواند تبدیل به ارزش افزوده یک اثر شود. این گوینده و صداپیشه ۸۰ ساله، چنان خلاقیت و نبوغی در صداسازی دارد که از «تنسی تاکسیدو»، «باگز بانی» و «گربه سگ» تا «دارکوب زبله» و «یوگی» را در کارنامه پربار خود ثبت کرده و حالا در «نبرد با خرچنگ» یکی از گوینده‌های اصلی است. انیمیشنی که مازیار محمدی‌نژاد در مقام کارگردان، بر خلاف جریان اصلی انیمیشن‌سازی سینمایی، آن را در فرمت دوبعدی به تصویر درآورده و به پشتوانه دنیای رنگارنگ و رویاگون خود، جذابیت ویژه‌ای برای مخاطبان کودک و خردسال پیدا کرده است. تورج نصر، جزو پیشکسوتانی است که همراهی‌اش با جوان‌ترها نه فقط جنبه حمایت و اعتباربخشی دارد که هنوز هم به حکم «دود و کنده» می‌تواند خاطره‌ساز شود.

آگهی مزایده یک دستگاه خودرو لندمارک
به‌شماره ۰۵-۰۵-۰۱ (چاپ اول)
شرکتی در نظر دارد یک دستگاه خودرو لندمارک مدل ۱۳۹۴ را از طریق مزایده عمومی به بالاترین قیمت پیشنهادی به‌فروش برساند:
محل و زمان دریافت اسناد و بازدید خودرو: خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، نبش خیابان شهدای ژاندارمری، پلاک ۵۶، طبقه سوم، از تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۲ لغایت ۱۴۰۵/۰۵/۲۰
زمان تحویل پاکات و اعلام پیشنهاد قیمت: حداکثر تا ساعت ۱۳ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۴
زمان گشایش پاکات پیشنهاد قیمت: ۱۴۰۵/۰۶/۰۷ ساعت ۹:۰۰
متقاضیان دارای شرایط با شماره‌های ۴۲۶۰۹۳۰۸ و ۰۹۱۲۰۲۲۸۱۹۴ تماس حاصل فرمایند.

مزایده عمومی
شرکت ره گستر نفت در نظر دارد یک دستگاه خودروی سواری سوزوکی ویتارا مدل ۱۳۹۴ را از طریق مزایده عمومی به‌فروش برساند. از متقاضیان دعوت به‌عمل می‌آید از تاریخ نشر آگهی به مدت ۱ هفته با در دست داشتن تصویر فیش واریزی به‌شماره شبا IR۴۶۰۱۲۰۰۰۰۰۰۰۰۶۸۶۵۶۳۴۶۳۰ نزد بانک ملت شعبه مستقل مرکزی به مبلغ ۱۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال، در ساعات اداری جهت دریافت اسناد به نشانی تهران، خیابان ولی‌عصر، روبه‌روی جام جم، کوچه طاهری، پلاک ۸۱، طبقه دوم مراجعه و پس از دریافت اسناد مزایده حداکثر تا مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۷ از خودرو مذکور بازدید به‌عمل آورده و نسبت به عودت مدارک تکمیل شده به همان نشانی تا ساعت ۱۴ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۸ اقدام نمایند.
شماره تلفن ۰۲۱-۷۵۹۴۳ داخلی ۲۴۲
تلفن همراه: ۰۹۱۳۴۲۳۰۷۷۴ آقای شفا

ایران ورزشی
سازمان آگهی‌های ایران ورزشی
۱۸۷۷